

## بیانات در زیارتگاه شهدای مناطق عملیاتی جنوب در منطقه مارد در شرق کارون - 6 / فروردین / 1393

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين سيما بقيّة الله فى الأرضين.

اگر از عوامل معنوی و آنچه خدای متعال وعده‌ی آن را به مؤمنان و مجاهدان راه حق داده است هم صرف‌نظر کنیم، بر حسب قوانین عادی زندگی جوامع بشری، هر جامعه‌ای عزّتش، قدرتش، آبرو و حیثیتش، هویتش بستگی دارد به مجاهدت و به تلاش. با تنبلی و تن‌آسایی، هیچ ملتی نمیتواند مقام شایسته‌ای را در میان ملت‌های عالم یا در تاریخ پیدا کند. آنچه که ملت‌ها را، هم در تاریخ و هم در دوران خودشان، در میان ملت‌های عالم سر بلند میکند، مجاهدت است، تلاش است. این تلاش، البته شکل‌های گوناگونی دارد؛ هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم تلاش به معنای تعاون اجتماعی میان افراد، همه لازم است؛ اما در رأس همه‌ی این تلاش‌ها، آمادگی برای جان‌فشانی است که يك ملت را در میان ملت‌ها سرفراز میکند. اگر در میان هر ملتی کسانی وجود نداشته باشند که آماده باشند از جان خود، از راحت خود، در راه رسیدن به آرمان‌ها صرف‌نظر کنند، آن ملت به جایی نخواهد رسید. کاری که انقلاب برای ما مردم ایران انجام داد، این بود که این راه را در مقابل ما روشن کرد؛ احاد ملت ما فهمیدند و احساس کردند که باید در راه آرمان‌های بلند، مجاهدت کنند و در مقابل دشمنان این آرمان‌ها بایستند؛ و ایستادند.

دفاع مقدّس ما، دوران جنگ هشت‌ساله‌ی پر ماجرای این کشور، داستان ایستادگی ملت ایران و ایستادگی جوانان ما در مقابل خبائثتها و دشمنی‌های کفر و استکبار جهانی است. درست است، در مقابل ما به‌ظاهر يك رژیم بعثی بود - صدام بود - و او هم عنصری بود به‌قدر کافی خبیث، به‌قدر کافی ضدّ بشریت و ضدّ انسانیت، اما فقط او نبود؛ آن چیزی که موجب شد این جنگ، هشت سال ادامه پیدا کند، عوامل پشت پرده‌ی استکبار جهانی بودند که او را تشویق میکردند، به او وعده میدادند، امکانات میدادند. آن وقتی که در این سرزمین‌های خوزستان - که شما حالا بخشی از آنها را مشاهده کردید - دشمنان ما مجبور به عقب‌نشینی شدند، يك دولت اروپایی به آنها وسیله‌ای داد که بتوانند در دریا، خباثت و شیطنت و شرارت خودشان را ادامه بدهند؛ موشکی به آنها دادند. نمیگذاشتند عملیاتی که در منطقه انجام میگردد، سرنوشت جنگ را به انتها برساند؛ تشویقش میکردند. یعنی دست استکبار جهانی، دست همین دولتهای اروپایی و دولت آمریکا، پشت رژیم خبیث معاند بعثی قرار داشت و او را به ادامه‌ی کار تشویق میکرد. نمیخواستند بگذارند جمهوری اسلامی از این حادثه‌ی بزرگ، پیروز و سر بلند بیرون بیاید؛ میگفتند صریحاً بعد از آنکه در همین عملیاتی که در این منطقه اتفاق افتاد - منطقه‌ی دارخوین؛ اینجا منطقه‌ی درگیری بسیار تعیین‌کننده‌ی عملیات ثامن‌الائمه بود - که سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران با همکاری یکدیگر، برای دستور امام برنامه‌ریزی کردند، طراحى کردند، در همین منطقه توانستند دشمن را عقب بنشانند و آن روحیه‌ای را که دشمن به خاطر پشتیبانی‌های فرنگی‌ها و خارجی‌ها و اروپایی‌ها به‌دست آورد، در هم بکوبند و بشکنند و محاصره‌ی آبادان را از بین ببرند؛ بعد از این عملیات، عملیات طریق‌القدس؛ بعد از این عملیات، عملیات فتح‌المبین؛ بعد عملیات الی‌بیت‌المقدّس؛ این عملیات‌های پشت سر هم که رزمندگان عزیز ما، جوانان فداکار ما در قالب ارتش، در قالب سپاه، در قالب بسیج و نیروهای مردمی، در قالب مجموعه‌های عشایری، حتی در قالب شهربانی و ژاندارمری و کمیته‌های آن روز، می‌آمدند در این میدان جنگ و این فداکاری‌ها را انجام میدادند؛ این عملیات میتوانست جنگ را به خاتمه برساند و پایان بدهد؛ اما جبهه‌ی دشمن نظام اسلامی - یعنی همین اروپایی‌ها و دولتهای اروپایی و دولت آمریکا - نمیگذاشتند؛ طرف مقابل را تشویق میکردند، امکانات جدیدی به او میدادند، او را به برنده شدن در این جنگ امیدوار میکردند؛ لذا جنگ هشت سال طول کشید. هشت سال جنگ، شوخی نیست؛ جنگ‌های بزرگ و معروف دنیا در دوره‌های نزدیک به ما، چهار سال و پنج سال و شش سال و این جورها طول کشیده؛ هشت سال جنگ، آن هم در این منطقه‌ی وسیع، از شمال تا جنوب - از منطقه‌ی شمال غربی کشور تا این انتهای جنوب - این

درگیری‌ها وجود داشت. قصدشان این بود که کاری کنند که نظام اسلامی احساس کند که قادر بر مقابله‌ی با این دشمنان نیست؛ میخواستند کاری کنند که جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک مجموعه‌ی ضعیف و ناتوان معرفی کنند. خدای متعال دست قدرت خود را نشان داد و دهان دشمنان جمهوری اسلامی و دشمنان پرچم برافراشته‌ی اسلام را با مشت پولادین ست‌الهی خرد کرد و بینی آنها را به خاک مالید و نشان داد که نظام اسلامی، چون متکی به ایمانهای مردم و به عواطف مردم است، در مقابل همه‌ی قدرتهای مادی جهان، هم میتواند از خود دفاع کند، هم قاطع گروندگان به اسلام و مؤمنان به وعده‌های الهی، نمیتواند ایستادگی کنند؛ تبلیغاتشان خنثی شد. سعی میکردند به ما مردم ایران - ما مؤمنین به آیات کریمه‌ی الهی - بیاوراند که شما نمیتوانید در مقابل قدرتهای مادی دنیا بایستید؛ میخواستند این را به ما بیاورند. و به شما برادران عزیز و به همه‌ی ملت ایران عرض کنم: شکست یک ملت آن وقتی اتفاق می‌افتد که معتقد بشود که نمیتواند کاری انجام بدهد؛ این اول شکست هر ملتی است. آنها خواستند این احساس را در دوران جنگ تحمیلی در دل ایرانیان به‌وجود بیاورند، اما قضیه به‌عکس شد. جنگ تحمیلی - یعنی دفاع مقدس ملت ایران - نشان داد که یک ملت در سایه‌ی اتحاد، در سایه‌ی ایمان به خدا، در سایه‌ی حُسن‌ظنّ به خدای متعال و اعتقاد به صدق وعده‌ی الهی، میتواند از همه‌ی گذرگاه‌های دشوار عبور کند و میتواند در مقابل دشمنان بایستد و میتواند دشمن را وادار به هزیمت و عقب‌نشینی کند؛ جنگ تحمیلی این را به همه‌ی ما نشان داد.

من به شما عرض میکنم، نگذارید یاد دوران دفاع مقدس از یادها برود. آمدن به این مناطق جنگی - چه در تعطیلات نوروزی و چه در دوره‌ی سال؛ که بحمدالله حالا در دوره‌ی سال هم کسانی از سرتاسر کشور به این مناطق مسافرت میکنند و این سرزمین‌ها را زیارت میکنند - بسیار کار پسندیده‌ای است، کار درستی است، کار عاقلانه‌ای است که ملت ایران میکند؛ خاطره‌ی این سرزمین‌ها را زنده نگه دارید. این سرزمین‌ها، این بیابانها، این رود کارون، این جاده‌ی اهواز - آبادان یا اهواز - خرمشهر، این مناطق گوناگون که با اسمهای مختلفی امروز خودشان را به شما معرفی میکنند، اینها شاهد برترین فداکاری‌ها و مجاهدتها و از خودگذشتگی‌ها بوده‌اند. بنده فراموش نمیکنم در آن ماه‌های اول جنگ - در آن ماه‌های محنت، نبودن نیرو، نبودن امکانات، نبودن آموزش، نبودن انسجام و سازماندهی، در آن سختی همه‌جانبه‌ی مادی - جوانهای ما با روحیه‌های خوب، از همین اهواز می‌آمدند به مناطق مختلف؛ از جمله همین جا، منطقه‌ی دارخوین. یک مشت از جوانهای مؤمن و حزب‌اللهی که من اشخاصشان را هم بعضاً می‌شناسم، آمدند در همین روستای محمدیه که نزدیک است، سنگرهای انفرادی میکنند؛ در تاریکی شب از این سنگرهای انفرادی می‌آمدند بیرون و صد متر دویست متر جلوتر میرفتند، باز آنجا سنگر میکنند؛ تمام روز را زیر این آفتاب داغ خوزستان در سنگرها میماندند، سختی‌ها را تحمل میکردند، خود را به دشمن نزدیک میکردند؛ تا وقتی که نوبت عملیات رسید که در مهر ماه سال بعد از حمله - در آخر شهریور ۵۹ حمله‌ی دشمن شروع شد، در مهر ۶۰ - در این منطقه‌ی دارخوین و همه‌ی این مناطق اطراف، با نیروهای رزمنده‌ی ارتش و سپاه و بسیج و غیره، توانستند پاداش آن مجاهدتها را بگیرند و به ملت ایران هدیه کنند؛ اینها یادهای ارزشمندی است، نباید بگذارید این یادها فراموش بشود.

در هر کدام از این مناطق، قضایایی اتفاق افتاده است که یکی از این قضایا در میان هر کشوری و هر ملتی اتفاق بیفتد، کافی است برای اینکه در تاریخ، آن ملت را سر بلند کند. همین مسائلی که در عملیات بیت‌المقدس اتفاق افتاد، یا آنچه در عملیات فتح‌المبین اتفاق افتاد، یا آنچه بعد از اینها در عملیات خیبر اتفاق افتاد، ذره‌ذره‌ی این عملیات و شخصیت‌هایی که این فداکاری‌ها از آنها سر زد و حوادث را ساختند، میتواند مجموعه‌ای از افتخارات بزرگ و ماندگار و فراموش‌نشده‌ی ملت ایران رقم بزند. دشمنها میخواهند ما یادمان برود؛ میخواهند قضیه‌ی دفاع مقدس از یادمان برود، فداکاری‌ها از یادمان برود، شخصیت‌هایی را که در این فداکاری‌ها نقش آفریدند یا شناسیم یا از یاد ببریم، این جور میخواهند. بعضی میخواهند آن دوران را تخطئه کنند، آن آدمها را تخطئه کنند، آن جهت‌گیری را و آن مسیر را که امام بزرگوار و حکیم و بنده‌ی بصیر الهی آن مسیر را معین کرده بود تخطئه کنند؛ برای اینکه

میدانند که هر ذره‌ای و هر نقطه‌ای از این حوادث، برای ملت ایران فراموش نشدنی است و تأثیرات بزرگ سازنده‌ای دارد.

بنده باز هم به ملت ایران عرض میکنم این حرکت راهیان نور را مغتنم بشمرید؛ از شما برادران و خواهران عزیزی که از راه‌های دور به این نقطه آمدید و بخشی از مجموعه‌ی عظیم حرکت راهیان نور را تشکیل دادید هم تقدیر و تشکر میکنم و امیدوارم ان شاء الله همه‌ی شما مأجور باشید و همه‌ی شما ان شاء الله با دست پر و همراه با تجربه‌آموزی و بصیرت و همراه با انوار معنوی الهی ان شاء الله از این منطقه جدا بشوید. خداوند متعال همه‌ی شما را محفوظ بدارد. پروردگارا! به محمد و آل محمد ارواح طیبه‌ی شهدای عزیز جنگ تحمیلی را با اولیائت محشور بفرما. پروردگارا! یاد این عزیزان و فداکاران را در خاطره‌های ما و در متن تاریخ ما ماندگار بدار. پروردگارا! ما را در مقابل دشمنان، در مقابل دشمنی‌ها، در مقابل خباثت‌ها، با همان روحیه‌ای که مطلوب و مرضی پیغمبر اکرم و ائمه‌ی هدی است تا آخر نگه بدار. پروردگارا! ملت ایران را بر دشمنانش پیروز کن؛ روح مطهر امام بزرگوار را با اولیائش محشور کن. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته